

روح القدس در آموزه‌های مسیحی و اسلامی

علی اله بداشتی*

چکیده

روح القدس یکی از ارواح مقدس یا از فرشتگان الهی است که حقیقتی مجرد دارد اما می‌تواند به فرمان خداوند تمثیل بشری پیدا کند و بر بندگان خدا فرود آید. روح القدس کارکردهای متعددی دارد که برخی از آنها در حوزه هستی‌شناختی، روان‌شناختی و معرفت‌شناختی در آموزه‌های مسیحی و اسلامی مشترک، و برخی از آنها مانند: شخص سوم تثلیث، و نقش او در تعمید، تأیید و زندگی مسیحی - با تفسیری که الهی‌دانان مسیحی از آنها دارند - ویژه فرهنگ مسیحی است، که در این مقاله بر اساس مستندات مسیحی و اسلامی بررسی می‌شوند تا برخی از پرسش‌ها درباره این روح مقدس پاسخ گفته شوند.

واژه‌های کلیدی

روح القدس، جبرئیل، تمثال، تأیید، تعمید، تثلیث.

مقدمه

قرآن کریم یکی از استوانه‌های ایمان را، ایمان به فرشتگان می‌داند (بقره، ۱۷۷).
در میان فرشتگان، روح القدس در سنت مسیحی و اسلامی و نیز فلسفه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که یکی از ارکان مسیحیت ایمان به

فرشته‌شناسی یکی از مسائل مهم فلسفه الهی و الهیات است؛ از سوی دیگر ایمان به فرشتگان یکی از مؤلفه‌های ایمان مؤمنان است، و این اصل در ادیان الهی بویژه اسلام و مسیحیت، مهم تلقی شده است.

روح القدس است و در اسلام، علاوه بر آن « دشمنی با جبرئیل کفر است» (بقره، ۹۸). اما اینکه روح القدس همان جبرئیل است، محل بحث است.

روح القدس در سنت مسیحی، در مقام هستی-بخشی (انجیل، لوقا، ۱: ۳۶)، معرفت‌بخشی (انجیل، یوحنا، ۱۶، ۱۵) و آموزه تثلیث (توماس میشل، کلام مسیحی، ۷۳-۷۸) و در سنت اسلامی در القای معرفت و حیانی (نحل، ۱۰۲) و تأیید انبیا و اوصیای الهی (مائده، ۱۱۰) و واسطه پروردگار در دمیدن روح حیات (مریم، ۱۷) و در فلسفه اسلامی به عنوان عقل فعال در رساندن انسان به کمالات عقلانی، کارکردهای ویژه‌ای دارد^۱ که در این مقاله به اختصار درباره آنها بحث خواهد شد.

۱- معناشناسی روح القدس: روح القدس واژه‌ای عربی است که مرکب از دو واژه «روح» و «القدس» است که روح به قدس اضافه شده است، اضافه موصوف به صفت؛ یعنی الروح-المقدسه (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۱؛ جلالین: ۱۸)؛ این کلمه در عبری «ruach» و در انگلیسی با لفظ Holy spirit یا Holy Ghost به معنای روح پاک آمده است.

روح: در لغت به معنای جان و روان است که منشأ حیات است و زندگی موجود زنده وابسته به آن است. الروح به معنای نسیم و الریح به معنای نسیم باد و رُوح (به فتح راء): به معنای رحمت تنفس، راحتی و آسایش و روزی نیز از همین ماده است (جوهری، ۱۳۶۸: ۳۶۷؛ ابن فارس، ۱۳۸۷: ۴۰۲؛ راغب، ۱۹۹۲/م/۱۴۱۲ه: ۳۶۹).

روح در قرآن گاه با «ال تعریف» و گاه به «اضافه» آمده است و جز در یک مورد که از حقیقت آن سخن

گفته و آن را از عالم امر دانسته است (اسراء، ۸۵) بیشتر با کارکردهایش معرفی شده است؛ مانند: چیزی که در مجسمه آدم دمیده شد و از او موجودی زنده و متحرک ساخت (حجر، ۲۹) موجودی که همراه با ملائکه در روز حشر به صف می‌ایستد. (نساء، ۳۸) و در شب قدر همراه با ملائکه فرود می‌آید (قدر، ۴) موجودی که امانت وحی را به پیامبر می‌رساند (نحل، ۱۰۲؛ شعراء، ۱۹۳) مسیح، عیسی بن مریم (نساء، ۱۷۱) و خود قرآن (شوری، ۵۲) نیز روح نامیده شده‌اند.

وجه اشتراک بسیاری از این معانی حیات بخشی آنهاست؛ مثلاً مسیح، عیسی بن مریم (علیه السلام) روح نامیده شده است (نساء، ۱۷۱)، چون او به اذن خدا و با تأیید روح القدس با دمیدن در مجسمه پرنندگان به آنها حیات می‌بخشید و مردگان را زنده می‌کرد (آل-عمران، ۴۹). قرآن نیز روح نامیده شده است (شوری، ۵۲)، چون سبب حیات معنوی انسان است (راغب، ۱۹۹۲/م/۱۴۱۲ه: ۳۶۹؛ طباطبایی، ۱۹۹۷/م/۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۱۹۱) چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید، دعوت خدا و رسولش را اجابت کنید؛ آنگاه که شما را می‌خوانند تا شما را حیات و زندگی ببخشند» (انفال، ۲۴).

بدیهی است که این زندگی معنوی با تلاوت آیات قرآن بر روان تشنگان حقیقت است. روح در پاره‌ای از موارد اضافه به خدای تعالی شده است، مانند «روحنا» در سوره‌های انبیاء آیه ۲۱ و تحریم آیه ۱۲. به گفته راغب، این اضافه تشریفی است.

قدس: قدس در لغت به معنای طهارت است (ابن فارس، ۱۳۸۷، ۸۰۷؛ راغب، ۱۹۹۲: ۶۶۰؛

رساندن وحی به انبیاء ملائکه را همراهی می‌کند (همو، ج ۱۳: ۱۹۲).

ایشان در وجه جمع آیاتی مانند (بقره، ۹۷) که جبرئیل را فرود آورنده قرآن به قلب پیامبر می‌داند و آیاتی که روح الامین (شعراء، ۱۹۵) یا روح‌القدس (نحل، ۱۰۲) را آورنده وحی می‌داند، می‌نویسد:

«روح در حالی که از جهتی غیر از ملائکه است، به جای جبرئیل - که از ملائکه است - قرار داده شده است، پس جبرئیل همراه با روح (یا به واسطه روح) بر پیامبر فرود می‌آید و روح است که این قرآن خوانده شده را حمل می‌کند (همان: ۱۹۲).

وی در ادامه می‌نویسد: روح از موجودات عینی و از عالم امر است که با «کن» وجودی حق بدون تدریج که از خواص موجودات مادی است، ایجاد شده است (همان: ۱۹۲-۱۹۳).

در برخی روایات از امام صادق (علیه السلام) ذیل آیه *يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا* (اسراء، ۸۵) آمده است که: «ملک اعظم من جبرئیل و میکائیل کان مع رسول الله و هو مع الأئمه»؛ یعنی روح در این آیه فرشته‌ای بزرگتر از جبرئیل و میکائیل است که با رسول خدا و با ائمه است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۸: ۲۵۴).

اما مفسران دیگر مانند طبرسی (۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۷) و محمدرضا قمی (۱۴۱۱ق، ج ۲: ۷۸) و سیوطی (جلالین: ۱۸) ذیل آیه «و آتینا عیسی بن مریم البینات و ایدناه بروح القدس» (بقره، ۸۷) روح‌القدس را همان جبرئیل دانسته‌اند.

راغب اصفهانی بزرگان از ملائکه را ارواح نامیده است و روح‌الأمین و روح‌القدس و جبرئیل را سه نام

طبرسی، ۱۹۸۶، ج ۱: ۳۰۷). به گزارش طبرسی برخی آن را به معنای برکت دانسته‌اند (همانجا).

روح القدس در لغت به معنای روح پاک یا Holy Spirit یا Holy Chost است که نام خاص یکی از موجودات مقرب خداست که در کتاب مقدس به همین نام (انجیل متی، ۱، ۱۸) و در قرآن نیز با این نام (بقره، ۸۷ و ۲۵۳، نحل ۱۰۲) و نام‌های الروح‌الامین (شعراء، ۱۹۳) و گاه به صورت «روحنا» (روح با اضافه به ضمیر متکلم «نا») آمده است.

- حقیقت روح‌القدس: لازمه شناخت روح‌القدس، شناخت حقیقت روح است.

حقیقت روح: روح مبدأ حیات هر نوع حیات اعم از حیات معنوی و مادی و فوق مادی است و حقیقت و احدی است که مراتب و درجات مختلف دارد. مرتبه‌ای از آن روحی است که در حیوان و عموم انسان‌هاست؛ مرتبه‌ای دیگر ویژه مؤمنان است؛ چنانکه خدای تعالی می‌فرماید: «وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ» (مجادله، ۲۲)، ما آنان را به روحی از خودمان تأیید کردیم.

مرتبه سوم روحی است که مؤید انبیاء و رسولان است، مانند روح‌القدس چنانکه خدای تعالی درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَيَّدَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» ما او را به واسطه روح‌القدس تأیید کردیم.

روح از نگاه مفسران

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء، ۸۵) می‌فرماید: این روح غیر از ملائکه است و این روح است که گاه به پاکی و گاه به امانت توصیف شده است و این روح اگر چه غیر از ملائکه است، اما در

ارواح است... اوست واسطه میان واجب الوجود وعقل اول (همان : ۵۲۱). «در روح القدس قوتی است الهی؛ نه جسم است و نه جوهر و نه عرضی [عرض] امر ایزدی است (همان : ۵۲۲). وی در تأیید این مطلب به آیات «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ»، «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (إسراء، ۸۵) و... استشهاد می‌کند وی نیز جبرئیل را همان روح القدس می‌داند (همان: ۵۲۲).

شیخ اشراق معتقد است نفس‌های ما در آغاز قوه و استعداد است. سپس کمال پیدا می‌کند. واسطه وجود نفس‌های ما و مکمل و خارج‌کننده آن از قوه به فعل، چیزی است که حکما آن را عقل فعال و شرع آن را روح القدس می‌داند و نسبت او به عقل‌های ما مانند نسبت خورشید به چشم‌های ماست (سهروردی، بی‌تا، ج ۴: ۸۸).

میرداماد می‌نویسد: «العقل الفعال أعنی روح-القدس و واهب الصدر» (۱۳۶۷: ۳۹۵). مراد من از عقل فعال روح القدس است که صورت‌بخش ماده است.

ملاصدرا نیز روح القدس را همان جبرئیل می‌داند. او در ذکر اصناف ملائکه می‌نویسد: جبرئیل از بزرگان ملائکه است و او صاحب وحی است «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء، ۱۹۳) و او روح القدس نامیده شده است (۱۳۸۶، ج ۱: ۵۶۰-۵۹۹). وی در جای دیگری عقل فعال، جبرئیل و روح القدس را یکی دانسته است (۱۳۸۰: ۴۷۰).

خلاصه اینکه خواه روح القدس را از صنف فرشتگان بدانیم یا برتر از آنها، در هر صورت بر مبنای حکمت الهی وجودی مجرد و غیر مادی دارد^۲ و همان موجودی است که حکیمان آن را عقل فعال نامیده‌اند^۳ که پرداختن به ادله آن مجال دیگری

برای یک حقیقت و از ملائکه والا مقام می‌داند (۱۴۱۲، ۳۶۹).

نتیجه اینکه در نگاه مفسران مسلمان درباره حقیقت روح القدس دو نظر است: غالب مفسران روح القدس و جبرئیل را یک حقیقت می‌دانند، اما برخی مانند علامه طباطبایی روح القدس را از سنخ موجودات روحانی و از عالم امر و جبرئیل را از فرشتگان می‌دانند، از نظر نگارنده احتمال سومی هم قابل طرح است: اینکه جبرئیل از سنخ ارواح و همان روح القدس و روح‌الأمین و برتر از ملائکه باشد. مؤید این نظر آیات ۹۷ و ۹۸ سوره بقره و آیه ۴ سوره تحریم است. در سوره بقره جبرئیل به عنوان نازل کننده وحی بر قلب پیامبر معرفی شده است؛ همان گونه که روح القدس و روح‌الأمین با همین عنوان معرفی شده‌اند (نحل ۱۰۲، شعراء ۱۹۳). در سوره بقره (آیه ۹۸) جبرئیل به ملائکه و در سوره تحریم (آیه ۴) ملائکه به جبرئیل عطف شده‌اند؛ گرچه مفسران ذکر جداگانه جبرئیل به صورت عطف یا معطوف را از باب شرافت و برتری مقام جبرئیل در میان دیگر ملائکه می‌دانند.

حکیمان مسلمان

روح القدس در نگاه برخی حکیمان مسلمان مانند فارابی و شیخ اشراق و میرداماد همان عقل فعال است چنان که فارابی می‌نویسد: عقل فعال همان کسی است که شایسته است گفته شود که او همان روح-الأمین و روح القدس است.

ابن سینا (۱۳۸۸: ۵۲۰) می‌نویسد که روح القدس برتر از ارواح است و جبرئیل امین و برید وحی است. سپس در ادامه می‌نویسد: روح القدس شریفتر

گرچه الهی‌دانان مسیحی بیشتر به کارکردهای روح‌القدس توجه کرده‌اند، اما برخی از آنان تفسیرهایی در حقیقت روح‌القدس بیان کرده‌اند که شایسته بررسی است. مک کراث، الهی‌دان مسیحی سه تفسیر از روح‌القدس ارائه می‌کند و می‌نویسند: «برای ترجمه واژه عبری (ruach) به زبان انگلیسی دست کم سه معادل پیشنهاد شده است: باد، دم، عطا» (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۰۶).

روح‌القدس به عنوان باد، در عهد عتیق یادآور باد پر قدرتی است که خداوند بنی اسرائیل را در ماجرای رهایی از اسارت فرعون مصر به وسیله آن باد نجات داد؛ باد پر قدرتی که دریای سرخ را می‌شکافت، مفهوم ruach در اینجا هم قدرت خدا را می‌رساند و هم نفس نجاتبخش او را (همان: ۳۰۶). در کتاب اعمال رسولان (آیه ۲-۲) آواز روح‌القدس به باد تشبیه شده است.

در تفسیر دوم روح به عنوان دم (نفس) مطرح می‌شود: مفهوم روح همواره بیانگر حیات است. خدا به هنگام آفریدن آدم در بینی او دم حیات دمید و در نتیجه [مجسمه] آدم تبدیل به موجودی زنده شد. تصویر خدا به عنوان روح، بیانگر این بصیرت مهم است که خداست که حیات می‌بخشد، بنابراین ruach اغلب با کار آفرینش خدا مربوط می‌شود... میان روح و دمیدن حیات در جهان خلقت آشکارا ارتباطی در کار است (همان: ۳۰۸).

سوم روح به عنوان عطا: این اصطلاح از نظر مک کراث به «پرسیدن فرد از روح خدا» اشاره دارد؛ به طوری که چنین فردی قدرت انجام دادن کارهایی را پیدا می‌کند که معمولاً امکان پذیر نیست. عطای

می‌طلبد. از قرآن و کتاب مقدس نیز فهمیده می‌شود که روح‌القدس حقیقتی مجرد دارد، چون می‌تواند تمثیل بشری پیدا کند (مریم، ۱۶ و ۱۷)، لازمه تمثیل بشری پیدا کردن، این است که در ذات خویش بشر و از سنخ وجود بشر؛ یعنی موجودی جسمانی و مادی نباشد و اگر نه تمثیل بی‌معناست.

روح‌القدس در اناجیل: روح‌القدس در انجیل متی ۳۱ بار، در انجیل مرقس ۲۹ بار، در انجیل لوقا ۱۰ بار و در انجیل یوحنا نیز ۱۰ بار به کار رفته است (علی پور، ۱۳۸۷: ۹۶).

حقیقت روح‌القدس: در انجیل لوقا عبارتی است که آن را دو گونه می‌توان تفسیر کرد: نخست اینکه جبرئیل همان روح‌القدس است و دیگر اینکه روح‌القدس غیر از اوست.

«در ماه ششم جبرئیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت، فرستاده شد نزد باکره‌ای، نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود، پس فرشته نزد او داخل شده گفت: «سلام بر تو ای نعمت رسیده؛ خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی... فرشته بدو گفت: ای مریم ترسان مباش... اینک حامله شده، پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید... مریم گفت: این چگونه می‌شود و حال آنکه مردی را نشناخته‌ام؟ فرشته گفت: روح‌القدس بر تو خواهد آمد...» (انجیل لوقا، ۱: ۲۶-۳۵). از عبارت فوق فهمیده می‌شود اولاً جبرئیل از فرشتگان خداست، ثانیاً اگر جبرئیل بشارت از آمدن خودش می‌دهد، پس جبرئیل همان روح‌القدس است، اما اگر خیر از دیگری می‌دهد، پس روح‌القدس غیر از جبرئیل است

بر مریم متمثل می‌شود و او را مژده فرزندی می‌بخشد به نام عیسی (انجیل متی، ۱: ۱۸-۲۵؛ لوقا، ۱: ۲۶).

این گزارش به وسیله قرآن نیز تأیید می‌شود؛ آنجا که می‌فرماید: «ما روحمان را به سوی او فرستادیم. او به صورت بشری خوش‌اندام بر وی [مریم] نمودار شد.

[مریم] گفت: از تو به [خدای] رحمان پناه می‌برم بر اینکه پرهیزکار باشی. [روح] گفت: همانا من فرستاده پروردگار تو هستم تا به تو پسری پاک بینخشم» (مریم، ۱۷-۱۹).

اگر چه در قرآن کلمه روح‌القدس در ماجرای خلقت عیسی(ع) تصریح نشده و با تعبیر «روحنا» (روحی که منتسب به خداست) آمده است، اما به قرینه آیاتی که می‌فرماید ما عیسی بن‌مریم را به وسیله روح‌القدس تأیید کردیم، می‌توان فهمید که مراد از «روحنا» همان روح‌القدس است (نک، بقره، ۸۷ و ۲۵۳؛ مائده ۱۱۰).

پس بر اساس فقره‌هایی که از کتاب مقدس و قرآن کریم گزارش کردیم، روح‌القدس از نگاه هستی-شناختی واسطه ولادت حضرت عیسی مسیح به اذن الله است؛ یعنی خالق فقط خداست و او در این میان واسطه‌ای بیش نیست و این در قرآن در آیاتی مانند: «فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا» (انبیاء، ۹۱)، «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» (تحریم، ۱۲)؛ از روح خودمان در او دمیدیم، تأیید شده است. با دقت در دو آیه فوق آشکار می‌شود که خدای سبحان فعل دمیدن روح را به صورت «روحنا»؛ یعنی اضافه روح به ضمیر «نا» به خود نسبت می‌دهد، اما در عین حال به وسایط انتقال و دمیدن هم اشاره کرده است و این با سخن روح-القدس به مریم آنگاه که بر او متمثل شد و فرمود: من

حکمت [نیز] به عنوان یکی از نتایج برخورداری از روح به تصویر کشیده می‌شود (همان: ۳۰۸).

در انجیل لوقا با نمونه‌ای از این تعبیر «پرشدن فرد از روح خدا» برای روح‌القدس مواجه می‌شویم؛ آنجا که درباره ذکر یا آمده است: «ذکر یا از روح‌القدس پر شده، نبوت نموده، گفت: خداوند خدای اسرائیل متبارک باد... سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد که ما را فیض عطا فرماید تا از دست دشمنان خود رهایی یافته، او را بی‌خوف عبادت کنیم (انجیل لوقا، ۱: ۶۷).

با توجه به آنچه از آیات قرآن و کتاب مقدس و سخنان حکیمان و غالب الهی‌دانان مسلمان و مسیحی آورده‌ایم، نظر غالب این است که روح‌القدس همان جبرئیل است و موجودی مجرد از ماده و عوارض جسمانی است، اما می‌تواند تمثیل بشری پیدا کند و مأموریت‌های الهی را انجام دهد.

- کارکردهای روح‌القدس: آنچه در این پژوهش بیشتر مورد نظر ماست، نقش روح‌القدس در جهان هستی است؛ آنچه از متون مقدس اسلام و مسیحیت و تاریخ مسیحیت فهمیده می‌شود، کارکرد روح‌القدس را در چند مقوله کلی مانند هستی‌شناختی، روان-شناختی و معرفت‌شناختی می‌توان برشمرد.

۱- هستی‌شناختی

از این منظر روح‌القدس در کتاب مقدس و در قرآن مجید و در نگاه حکیمان مسلمان به عنوان واسطه در فیض وجود عمل می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

۱-۱. در خلقت عیسی مسیح: همان گونه که اشاره شد، بر اساس گزارش کتاب مقدس روح‌القدس

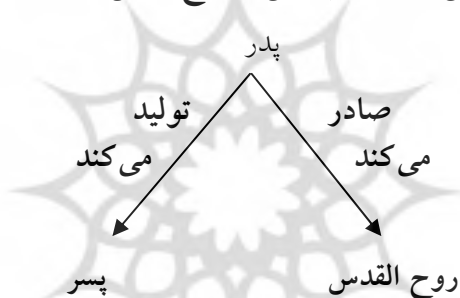
سال ۳۸۱م از سوی شورای قسطنطنیه الوهیت کامل روح القدس به رسمیت شناخته شد و همذات بودن پدر، پسر و روح القدس تأیید شد (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

در سنت مسیحی، در نظام الهیاتی شرق و غرب در چگونگی ارتباط افراد تثلیث اختلاف چشمگیری وجود دارد که توجه به نمودارهایی که الهی دان مسیحی، مک کراث رسم کرده، قابل دریافت است (همان: ۳۳؛ برایان ویلسون، ۱۳۸۱: ۵۵).

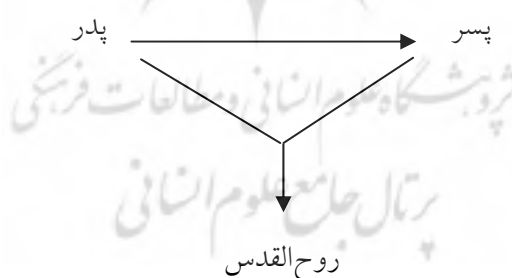
رسول پروردگار تو هستم تا به تو پسری ببخشم (مریم، ۱۹). قابل جمع است. در آیه اخیر، روح القدس خود را رسول پروردگار می‌داند، و رسول در فعلش استقلال ندارد و فعل او در طول فعل خداست و این سخن مورد اتفاق مفسران مسلمان است.

۲-۱. نقش روح القدس در تثلیث از نگاه هستی-شناختی، کلمه سه گانه (تثلیث) هرگز در کتاب مقدس وارد نشده است و نخستین کاربرد شناخته شده آن به تئوفیل انطاکی در سال ۱۸۰ میلادی باز می‌گردد (توماس میشل، ۱۳۷۷: ۷۲). حدود ۲۰۰ سال بعد در

الف) دیدگاه کلیسای شرق در خصوص تثلیث (اب، ابن و روح القدس):



ب) دیدگاه کلیسای غرب در این رابطه:



اما نظام کلیسای غرب بیشتر راغب بود وحدانیت خدا را ... نقطه آغاز تفکر خود قرار دهد و رابطه، سه شخص را در پرتو مشارکت و رابطه متقابل که با هم دارند، بررسی کند (همان: ۳۲۴). تونی لین یکی دیگر از محققان می‌نویسد که در کلیسای شرق باور بر این بود و امروز نیز چنین است که روح القدس از پدر و

توضیح اینکه نظام الهیاتی شرق بیشتر بر تمایز سه شخص یا سه اقنوم تأکید دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که پسر و روح القدس هر دو از پدر مشتق می‌شوند و میان سه شخص یا اقنوم تثلیث رابطه‌ای هستی‌شناسانه وجود دارد (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۲۴).

که به امر الهی مأموریت ها یش را در جهان هستی انجام می دهد.

بسیاری از محققان که مایلند مسیحیت را در ردیف ادیان توحیدی به شمار آورند، تثلیث را تجلی خدا در سه صورت پدر، پسر و روح القدس توجیه می نمایند، در حالی که نظر کلیسا با این برداشت به هیچ وجه قابل تطبیق نیست. در اصول اعتقادی کلیسای مسیحی (کردو) اب و ابن و روح القدس سه شخصیت مستقل الهی هستند...

گپگن (Gepgen) می گوید: تثلیث را نباید تجلی خدای واحد در سه صورت دانست (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۳۳۴-۳۳۵).

اف ای پیترز (F.E.Peters) می نویسد: همه مفسران کاتولیک کتاب های الهی عهد عتیق و عهد جدید دیدگاهشان این است که پدر، پسر و روح القدس یک وحدت الهی در ذات واحد با برابری غیر قابل تقسیم هستند و از این رو آنها سه خدا، ولی یک خدا هستند...

روح القدس نه پدر است و نه پسر، بلکه تنها روح پدر و پسر است و خود او با پدر و پسر برابر است... پدر، پسر و روح القدس همان طور که غیر قابل تقسیم اند، کارشان نیز غیر قابل تقسیم است (پیترز اف ای، ۱۳۸۴: ۴۰۵).

پس از نگاه کاتولیک ها، روح القدس ذاتی برابر با خدا و در کارکرد هم همراه خداست و این از نظر آموزه های اسلامی باطل است، چون روح القدس همچون سایر موجودات از مراتب روشنایی نور حقیقی و تجلیات وجود قیومی الهی است (نک، صدرالمتألهین، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۹۱-۲۹۲) و وجودش عین فقر و ربط به واجب الوجود است.

توسط پسر صادر می گردد، اما در کلیسای غرب این باور نضج گرفت که روح القدس از پدر و از پسر صادر می گردد (تونی لین، ۱۳۸۰: ۶۹).

گرچه نظام الهیاتی کلیسای غرب با آموزه های اسلامی و ظواهر کتاب مقدس نزدیکتر است، اما اینکه روح القدس را نتیجه مشارکت پدر و پسر نشان می دهد، خلاف آموزه های قرآن و کتاب مقدس است، و پیداست که بر اساس آموزه های قرآنی، هر موجودی بخواهد در عرض خدای تعالی قرار گیرد، مستلزم شرک است. از این رو، برخی از نویسندگان مسیحی برای رهایی از شرک گفته اند:

خدای واحد [آنگاه که] در نقش خالق آشکار می شود از این جنبه از خدا با عنوان «پدر» یاد می شود...

[و آنگاه] که در نقش کسی که تقدیس می کند و حیات جاودان می بخشد مکشوف می گردد، این جنبه از خدا را «روح القدس» می نامند (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۲۸-۳۲۹). توماس میشل، کشیش و راهب کاتولیک در تحلیل فلسفی اش از تثلیث به گونه ای که ایمان به خدای یگانه مخدوش نشود، می نویسد: به خدای واحدی ایمان داریم که طبیعت او بر سه صفت استوار است... وی دارای وجودی فعال و حیات بخش در مخلوقات است (مسیحیان این وجود را روح القدس می نامند) (توماس میشل، ۱۳۷۷: ۷۶). گرچه در این تحلیل ها روح القدس به عنوان وجودی مستقل و برابر نهاده شده خدا نفی شده است و به عنوان صفت حیات بخش خدا آشکار می شود، اما... این توجیه نیز با آموزه های قرآنی و حکمت اسلامی سازگاری ندارد، چون خدا همواره در جایگاه خالق مطلق و قادر مطلق جای دارد و روح القدس تنها رسولی است

در جریان تولد حضرت یحیی (ع) آمده است: «پدرش زکریا از روح‌القدس پر شده نبوت نموده» و درباره تأیید رسالت عیسی به واسطه روح‌القدس، حضرت عیسی (ع) به اصحابش می‌فرماید: چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود (کتاب اعمال رسولان، ۱: ۲-۵).

در ادامه، در تأیید مؤمنان به حضرت عیسی مسیح آمده است: چون روز پنطیکاست^۴ رسید، به یک دل در یکجا بودند که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام خانه را که در آنجا نشسته بودند، پر ساخت... و همه از روح‌القدس پرگشته، به زبان‌های مختلف به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند (اعمال رسولان، همان).

در قرآن کریم نیز روح‌القدس به عنوان مؤید انبیاء آمده چنانکه می‌فرماید: «يُلَقِّى الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ: روح را بر هر کس از بندگانش بخواهد، القا می‌کند تا [مردم را] از روز ملاقات بیم دهد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: روح در این آیه مقید به «من امره» شده تا بیان کند مراد روحی است که در آیه «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (غافر/مؤمن، ۱۵) بیان فرموده است و مراد از القای روح بر هر کس که خدا بخواهد، نازل کردن آن با ملائکه وحی است و مراد از عبارت «مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» رسولانی است که خدای تعالی آنها را برای رسالت خویش برگزیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۱۷: ۳۱۹).

در قرآن آمده است که حقیقت وجودی روح‌القدس، از عالم امر است و در عالم امر هر موجودی با کُن وجودی حق تعالی که همان تعلق علم و قدرت و اراده او به موجودی خاص است، هستی می‌یابد.

قرآن می‌فرماید: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي؛ ای پیامبر درباره روح از تو سؤال می‌کنند، بگو روح از [عالم] امر پروردگار من است» (اسراء، ۸۵). در آیات دیگر فرشتگان: «عِبَادٌ مُكْرَمُونَ» (انبیاء، ۲۶)؛ یعنی بندگان بزرگواری که به تسبیح و ستایش خدای تعالی مشغولند (زمر، ۷۵) و بر پیامبر درود می‌فرستند (احزاب، ۵۶) و برای اهل زمین از خدای تعالی طلب آموزش می‌کنند (شوری، ۵) معرفی شده‌اند و اینکه موجودی در عرض خدای تعالی قرار گیرد و خدا سومی از سه تا باشد، کفر تلقی شده است؛ چنان‌که می‌فرماید هر آینه آنانی که گفتند خدا سومی از سه تاست، کافر شدند، در حالی که خدایی جز خدای یگانه نیست (مائده، ۷۳). پس در فرهنگ اسلامی تثلیث باطل است و عیسی بن مریم و روح-القدس هر کدام بنده‌ای از بندگان خدا هستند (نساء، ۱۷۲) که حیات و مماتشان در دست خداست؛ نه فرزند خدایند و نه مستقل از خدا، بلکه در وجود و فعلشان وابسته به خدا هستند و هیچ عملی را بدون اذن الهی انجام نمی‌دهند.

۲- کارکرد روان‌شناختی روح‌القدس

از این نگاه، رسالت روح‌القدس تأیید پیامبران و مؤمنان و ایجاد محبت است. این سخن در کتاب مقدس و قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: ۱-۲. در تأیید پیامبران و مؤمنان در کتاب مقدس:

و دین الهی صاحب مسؤولیت و در انجام آن مسؤولیت سنگین یاری می‌کند. سخن حق را به قلب آنان الهام و بر زبان آنان جاری می‌سازد؛ چنان که عیسی در گهواره سخن می‌گوید. **قرآن کریم** می‌فرماید: «إِذْ أَيْدُتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ: آنگاه که تو را به واسطه روح القدس تأیید کردم و تو در گهواره با مردم سخن گفتمی» (مائده، ۱۱۰) نتیجه اینکه تأیید روح القدس به اذن الله و برای آرامش و اطمینان روحی و شجاعت قلبی برای انجام رسالت بزرگ پیامبری است.

۲-۲. محبت: یکی دیگر از نقش‌های مهم روان-شناختی که آگوستین برای روح القدس بر شمرده است، پیوند محبت است، از نظر وی: «روح القدس هم روح پدر [خدای پدر] است و هم روح پسر [خدای پسر] و این دو را در محبت به هم پیوند می‌دهد» (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۱۲-۳۱۳). آگوستین این ایده را بر اساس یک قیاس منطقی بیان می‌کند: «خدا محبت است و روح القدس نیز خداست. پس روح القدس محبت است» (همان: ۳۱۳). به گزارش مک کراث، دیدگاه آگوستین در خصوص یکی بودن محبت و روح القدس بر استدلالی پیچیده استوار است. وی می‌نویسد: بر اساس این جمله یوحنا که می‌گوید: «ای حبیبان یکدیگر را محبت نمایم که محبت از خداست» آگوستین نتیجه می‌گیرد که روح القدس باعث می‌شود در خدا ساکن شویم و او در ما و این همان تأثیر محبت است. بنابراین، محبت خود روح القدس است یا آن خدایی که صرف محبت است (همان: ۳۱۳).

وی در ادامه از قول آگوستین می‌نویسد: روح-القدس از یک سو پیوند اتحاد بین پدر و پسر است و

در آیه دیگر جبرئیل به عنوان پشتیبان رسول اکرم (ص) معرفی شده است: «فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ...؛ خدا ولی اوست و جبرئیل و ... پشتیبان او هستند» (تحریم، ۴).

در سه آیه شریفه از تأیید عیسی بن مریم به واسطه روح القدس سخن می‌گوید (بقره، ۸۷ و ۲۵۲، مائده، ۱۱۰): ما به عیسی بن مریم نشانه‌های [نبوت] بخشیدیم و او را با روح القدس تأیید کردیم (بقره، ۸۷ و ۲۵۲).

در روایات اسلامی ما آمده است که خدا در رسولان و برگزیدگان پنج روح قرار داده است: یکی روح القدس است که حامل نبوت است (کلینی، [بی تا]، ج ۱: ۲۷۲). در روایتی از امام صادق-علیه السلام- آمده است که رسول الله و ائمه مؤید به روح القدس هستند (مجلسی، ب ۱۴۰۴، ج ۱۸: ۲۵۴).

خانم مری جو ویور از محققان مسیحی می‌نویسد:

عهد قدیم به ما می‌گوید روح القدس بر انسان‌هایی نازل شد که رسالت خاصی داشتند (مانند انبیا و داوران). در سراسر کتاب اعمال رسولان می‌توان ملاحظه کرد که قدرت روح القدس چگونه تفسیر می‌شود. روح القدس نیروی محرک اظهار و اعلام بشارت است؛ یعنی عاملی که موجب گرایش و ایمان به عیسی به عنوان مسیح می‌شود. روح القدس به مردم توان می‌بخشد و در تحمل سختی به آنان کمک می‌کند» (جوویور، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۹).

گفتنی است که تأیید روح القدس در انبیا و مؤمنان برگزیده بیشتر از نگاه روان‌شناختی تحلیل می‌شود. این تأیید الهی به واسطه روح القدس انجام می‌پذیرد و آنان را در انجام رسالت الهی تبلیغ توحید

۳. کارکرد معرفت‌شناختی روح‌القدس

یکی از مهمترین راه‌های معرفت، معرفت و حیانی است، چون انسان را به شهود یقینی می‌رساند. از سوی دیگر، یکی از وجوه و شاید مهمترین وجه فعالیت روح‌القدس در عالم انسانی جنبه معرفت-بخشی اوست؛ هرچند از این نگاه نیز روح‌القدس مستقل عمل نمی‌کند، بلکه رسول الهی در ارسال وحی اوست، و گاه الهامات ربانی را به مؤمنان القا می‌کند و گاه معارف عقلانی را. به هر حال، این افتخار به نام این ملک مقرب الهی ثبت شده است که واسطه خدای تعالی و انبیای الهی و عالمان ربانی و حکیمان حکمت جاودانی باشد. در قرآن کریم به این جنبه این روح پاک توجه خاصی شده است؛ چنانکه گاه با نام «جبریل» و گاه «روح‌القدس» معرفی شده است.

۳-۱. روح‌القدس به عنوان رسول وحی

یکی از رسالت‌های مهم روح‌القدس القای وحی است.

خداوند در پاسخ مشرکانی که به پیامبر افترا می‌زدند و او را جاعل آیات می‌دانستند، می‌فرماید: «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُبَيِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ: بگو [قرآن] را روح‌القدس از جانب پروردگارت بحق نازل کرده است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم بدارد و برای کسانی که اهل تسلیم‌اند، هدایت و مژده‌ای باشد» (نحل، ۱۰۲).

در جای دیگر این روح معرفت‌بخش به اعتبار امانت‌داری‌اش در ارسال وحی الهی، با وصف «امین» آمده است: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ

از سوی دیگر پیوند بین خدا و مؤمنان، روح‌القدس میان مؤمنان پیوند اتحاد به وجود می‌آورد... کلیسا معبد روح‌القدس است و روح‌القدس در آن ساکن است (همان: ۳۱۴).

جورج برانتل نیز در تبیین ایده کاتولیک‌ها در تثلیث مقدس به جنبه محبت بودن روح‌القدس اشاره کرده می‌نویسد: «روح‌القدس سومین شخص و روح محبت است که از پدر و پسر نشأت می‌گیرد... سنت کاتولیک... روح‌القدس را به عنوان حلقه اتصال محبت الهی و متحد‌کننده پدر و پسر تلقی می‌کند» (برانتل، ۱۳۸۱: ۸۳).

ایشان در ادامه می‌نویسد: «رویه مناسب کلیسا این است که آن دسته از کارهای الوهیت را که در آنها محبت تفوق دارد، به روح‌القدس نسبت دهد... او خیریت الهی و محبت متقابل پدر و پسر است» (همان: ۸۷-۸۸).

یکی دیگر از محققان آیین مسیحیت نیز در تأثیر روان‌شناختی روح‌القدس می‌نویسد: «انبیا و مردان خدا به وسیله روح‌القدس دارای نفوذ کلام و نیروی اعجاز می‌شوند و یا قادر به پیشگویی می‌گردند...» او نیرویی است که در مؤمنین جای گرفته، قدرت کلام حواریون را تقویت می‌نماید و یا در آنها سخن می‌گوید» (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۳۳۵).

مجموع آنچه از زبان قرآن و کتاب مقدس و محققان درباره روح‌القدس از این نگاه گفته شد، بیانگر تأثیر شگرف روح‌القدس در نفس و روان انبیا و مؤمنان و ایجاد محبت و وحدت در میان مؤمنان است.

پس «روح القدس» از نگاه معرفت‌بخشی معلم انبیاست و انسان‌های دیگر به واسطه انبیا از آموزه‌های روح القدس بهره‌مند می‌شوند.

۳-۳. روح القدس، واسطه الهامات ربانی و حکمت‌های عقلانی

در کتاب مقدس در انجیل یوحنا از قول عیسی - بن مریم (ع) گزارش شده که فرمود:
این سخنان را به شما گفتم که با شما بودم، لیکن تسلی دهنده؛ یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم، به یاد شما خواهد آورد» (انجیل یوحنا، ۱۴: ۱۵).

در ادامه این گزارش آمده است:

چون او؛ یعنی روح راستی [روح القدس] آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد، زیرا که از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است، سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد» (همان، ۱۶: ۱۲).

در این فقره‌ها از کتاب مقدس نیز به روشنی به نقش معلمی و معرفت‌بخشی روح القدس اشاره شده است؛ با این تفاوت که در قرآن روح القدس پیام الهی را تنها بر پیامبر می‌فرستد، اما در کتاب مقدس بر اصحاب عیسی روح القدس فرود می‌آید و آموزش‌هایی می‌دهد.

در قرآن کریم نیز از الهام به مادر موسی (ع) سخن گفته شده است؛ چنانکه که می‌فرماید: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» (قصص، ۷). ما به مادر موسی وحی فرستادیم که او را شیر دهد و ...

الْأَمِينُ * عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ؛ همانا این [قرآن] فرو فرستاده پروردگار جهانیان است که روح - الامین آن را بر قلب تو فرود آورده است تا از اخطار دهندگان باشی» (شعراء، ۱۹۲-۱۹۴). امیرمؤمنان در دسته‌بندی ملائکه می‌فرماید: «و منهم امناء علی وحیه؛ برخی از آنان امینان وحی او هستند»^۵.

از نگاه حکمت اسلامی نیز روح القدس روی خویش را به جانب نبی الهی متوجه می‌نماید تا او را از علوم الهی بهره‌مند کند و به گفته ابن‌سینا، آنچه از روح القدس به عقل پیوندد، نبوت است (ابن‌سینا، ۱۳۸۸: ۵۲۱).

وی در ادامه می‌نویسد: روح القدس چون نقطه است و نبوت چون خط ... ابتدای همه چیزها نقطه است و ابتدای همه کارها روح القدس نبوت فیض نفس قدسی است که روح القدس به وسیله عقل کل بر روح قدسی نبی فرود آورد (همان: ۵۲۴)؛ یعنی وحی از مقام عقل از مقام روح نازل می‌شود. پس حقیقت قرآن کلام ایزدی است و آنچه نبی از روح - القدس می‌یابد، معقول محض است و آنچه بگوید محسوس محض است (همان: ۵۲۵).

نتیجه اینکه «روح القدس» حامل آیات الهی از سوی خدای تعالی بر پیامبر (ص) است. او به پیامبر معرفت می‌بخشد و پیامبری اش را مبتنی بر علم و معرفت می‌کند. می‌فرماید: «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أقرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ: بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از خون بسته آفرید. بخوان که پروردگار تو گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم به انسان آموزش داد، و به او آنچه را که نمی‌دانست، بیاموخت» (علق، ۱-۵)

۲-۳. الهام انجیل

یکی دیگر از کارکردهای مهمی که در سنت مسیحی برای روح‌القدس قائلند، نقش او در الهام انجیل‌های چهارگانه به نویسندگان آنهاست. مسیحیان انجیل‌ها را وحی مستقیم روح‌القدس به پیامبر نمی‌دانند، بلکه بر این باورند که انجیل‌ها نوشته انسان‌های عادی؛ یعنی یاران بی‌واسطه یا باواسطه عیسی مسیح و با الهام از روح‌القدس است که پس از صعود حضرت عیسی نوشته شده است (نک، سلیمانی اردستانی ۱۳۸۴: ۶۴).

مک کراث درباره الهامی بودن کتاب مقدس می‌نویسد:

«کار روح‌القدس در قبال مهمترین منشأ سنت مسیحی از اهمیتی ویژه برخوردار است. آموزه الهامی بودن کتاب مقدس) تصریح می‌کند که کتاب مقدس به سبب منشأ خود از اقتدار و مرجعیت الهی برخوردار است» (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۱۵). وی از اعترافنامه گالیک (۱۵۵۹) نیز گزارش می‌کند که:

«می‌دانیم که این کتب برحقانند و مبنای قطعی ایمان ما؛ نه از آن رو که نظر کلیسای جامع چنین است بلکه به واسطه شهادت و الهام درونی روح-القدس است که ما را قادر می‌سازد میان کتاب مقدس و دیگر کتب کلیسایی که هر چند مفیدند، اما هرگز نمی‌توانند مبنای ایمانمان قرار گیرند، فرق بگذاریم» (همانجا).

آنچه محققان مسیحی درباره الهام روح‌القدس می‌گویند، مانند سخنان حکیمان درباره عقل بشری با عقل فعال یا جبرئیل در ادراک معقولات است. چنانکه فارابی می‌گوید:

مفسران برای تمییز این نوع وحی از وحی نبوی آن را الهام نامیده‌اند. طبرسی در تفسیر خویش واسطه این الهام را جبرئیل می‌داند (۱۳۷۷، ج ۳: ۳۰۹). البته، از نظر طبرسی همان گونه که اشاره کردیم، جبرئیل همان روح‌القدس است. گفتنی است که این الهام گاه از نوع حکمت نظری و گاه از نوع حکمت عملی است؛ چنانکه حضرت عیسی به یاران خود فرمود: روح‌القدس شما را به جمیع راستی هدایت می‌کند. این از نوع حکمت عملی است و در ادامه فرمود: شما را از امور آینده خبر خواهد داد که حکمت نظری است. وحی به مادر موسی را نیز می‌توان از نوع حکمت عملی دانست.

مکاشفه نیز در سنت مسیحی یکی از کارکردهای روح‌القدس است؛ چنانکه مک کراث می‌نویسد: «نقش تعیین کننده روح‌القدس در شناساندن خدا، به ابنای بشر نکته‌ای است که به طرز گسترده‌ای مورد تصدیق واقع شده است. ایرنایوس در این خصوص از روح‌القدسی سخن می‌گوید که از طریق او انبیا نبوت نمودند، پدرانمان خدا را شناختند...» (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۱۴). وی از مارتین بوستر، از مفسران انجیل در قرن شانزدهم م. نیز گزارش می‌کند که گفته است:

پیش از آنکه به خدا ایمان آوریم و از روح‌القدس الهام بگیریم، موجوداتی غیر روحانی هستیم و از این رو، از شناخت هر گونه واقعیتی درباره خدا عاجزیم. به همین جهت، هر نوع حکمت و پارسایی که مستقل از روح‌القدس اندوخته شود، جز ظلمت و سایه موت نخواهد بود» (همان: ۳۱۵). در این گزارش نیز روح-القدس واسطه در حکمت نظری و حکمت عملی است.

الف) نجات: مک کراث، الهی دان مسیحی در این باره به سخنان نویسندگان و آباء کلیسا اشاره می‌کند که در توجیه الوهیت روح القدس به کارکردهای آن استناد می‌کردند و بسیاری از این کارکردها به آموزه نجات مربوط می‌شود...» (مک کراث، ۱۳۸۵: ۴۱۶).

وی برای نمونه در مسیحیت غرب به کالون اشاره می‌کند که در آموزه نجات خود روح القدس را واجد نقشی عمده می‌داند، زیرا [او] کسی است که میان مسیح و فرد مؤمن رابطه زنده ایجاد می‌کند (همان).

جورج برانتل بر اساس آیین کاتولیک می‌نویسد: مسیح بر ضرورت تعمید برای نجات تأکید کرد (برانتل، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

ب) تعمید: یکی از آیین‌های مقدس مسیحیان تعمید^۷ است.

تعمید به دست کشیش و با نام پدر، پسر و روح-القدس انجام می‌شود. غسل تعمید کودکان در روم، پس از استقرار مسیحیت در آنجا رواج عام یافت و حال غسل تعمید نشانه عضویت در کلیساست (برایان ویلسون، ۱۳۸۱: ۵۸).

ج) تأیید: «تأیید آیینی است که نفس، روح القدس را در آن دریافت می‌کند تا اینکه او را به شخص مسیحی کامل و سربازی برای مسیح تبدیل کند. این آیین، بلوغ معنوی و تقویت کننده عطایای تعمید است» (همان: ۱۳۵).

د) زندگی مسیحی: به عقیده مک کراث «بسیاری از نویسندگان نقش روح القدس را، به خصوص در زندگی مسیحی -چه فردی و چه جمعی- بسیار مهم می‌دانند» (مک کراث، ۱۳۸۵: ۳۱۶).

وی به نقل از سیریل اسکندرانی، از نویسندگان قرن پنجم م. می‌نویسد:

«نسبت عقل فعال به انسان به منزله خورشید به بینایی است؛ همان گونه که خورشید به چشم روشنایی می‌بخشد و چشم به واسطه نوری که از خورشید می‌گیرد، بالفعل بینا می‌شود، بعد از آنکه بالقوه بینا بود... عقل فعال نیز این گونه است که به انسان چیزی می‌دهد که موقعیت آن شیء به نفس ناطقه به منزله نور برای چشم است. پس به واسطه آن شیء نورانی که عقل فعال می‌دهد، نفس ناطقه عقل فعال را تعقل می‌کند و به واسطه او اشیا می‌که معقول بالقوه بودند، معقول بالفعل می‌شوند» (فارابی، ۱۳۶۶: ۳۵ و ۳۶).

دکتر حسین نصر از حکمای سنت‌گرای معاصر در این باره می‌نویسد: «عقل آدمی همچنان داری موهبت معجزه آسای استعداد شناخت درون و برون است» (نصر، ۷).

وی در ادامه با توجه به اینکه در دنیای جدید، عقل جزوی فربه شده و به جای عقل کلی نشست، می‌نویسد:

علی رغم از دست رفتن تقریبی و تحت الشعاع قرار گرفتن این فرّه عقلانی و نشستن عقل جزوی به جای آن عقل کلی، معرفت همچنان ریشه در سرزمین «روح القدس» دارد و معرفت همچنان در گرایش آدمی به امر قدسی قطب اصلی خواهد بود» (همان: ۸).

کارکردهای اختصاصی روح القدس در مسیحیت

علاوه بر کارکردهای فوق که به نحوی در آموزه‌های اسلامی و مسیحی اشتراک دارند، کارکردهایی در مسیحیت برای روح القدس قائلند که اختصاص به آنان دارد.

دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم (بقره، ۸۷) و نیز نقش تأییدی ملائکه در یاری رساندن به مسلمانان و استغفار برای اهل زمین (شوری، ۵) در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است، اما این غیر از آن معنایی است که مسیحیان قائل هستند؛ تأیید در اینجا به معنای پشتیبانی برای انجام رسالت است؛ چنانکه به گزارش قرآن کریم «خدای سبحان به ملائکه وحی می‌فرستد که من با شما هستم. پس مؤمنان را ثابت قدم بدارید...» (انفال، ۱۲).

در جای دیگر می‌فرماید خداوند شما را با سه هزار ملک یاری رسانده است (آل عمران، ۱۲۳). در ادامه می‌فرماید: اگر صابر و پرهیزکار باشید... پنج هزار ملک به یاری شما می‌فرستد (آل عمران، ۱۲۴). در پایان می‌فرماید: خدا این را تنها بشارتی برای شما قرار داد تا دل‌هایتان اطمینان یابد، اما نصرت و یاری تنها به دست خداست (آل عمران، ۱۲۵). در همه این آیات، تأیید فرشتگان برای پشت گرمی و اطمینان قلبی مؤمنان در انجام مسؤولیت‌های الهی است. همچنین خدای سبحان می‌خواهد مؤمنان را به آیین توحیدی تربیت کند تا ملائکه را در عرض خدا قرار ندهند و بدانند آنها تنها مأموران و سفیران الهی برای تدبیر امور جهان هستند، اما سررشته همه امور در نهایت به دست خداست.

نتیجه

۱- روح القدس براساس ظواهر و قراین کتاب مقدس و قرآن همان جبریل یا روح الامین است که در برخی آیات خداوند او را رسول امین و گاه «روحنا» نامیده است.

همه ما که یک روح واحد؛ یعنی روح القدس را دریافت کرده‌ایم، به تعبیری در یکدیگر و در خدا ادغام شده‌ایم... روح واحد و تفکیک ناپذیر خدا که در تمامی ما ساکن است، همگی مان را به سوی اتحاد روحانی سوق می‌دهد» (همان).

هاروی کاکس در اثر خویش پیرامون آینده مسیحیت، درباره زندگی مسیحی می‌نویسد: «در حالی که جهان به سرعت به سوی دو هزارمین سالگرد تولد مسیح می‌رود، چهار گرایش عمده وجود دارد که می‌تواند مسیحیت هزاره آینده را شکل دهد: یکی از آنها ظهور گسترده شکلی از زندگی مسیحی است که بر تجربه مستقیم روح القدس مبتنی است و اغلب با اموری مانند شفا دادن، سخن گفتن و دعا کردن با زبان‌های ناشناخته همراه است و پیروان آن مدعی‌اند که اینها «موهبت‌های روح القدس» هستند» (هاروی کاکس، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

مک کراث نیز می‌نویسد:

«اهمیت نقش روح القدس در دعا، زندگی روحانی و عبادات مسیحی از سوی بسیاری از نویسندگان گذشته و حال مورد تأکید قرار گرفته است» (مک کراث، ۱۳۷۸: ۳۱۷).

وی در ادامه به توان بخشی روح القدس به مؤمنان که زندگی مسیحایی، بویژه در زمینه مسائل اخلاقی داشته باشند، اشاره می‌کند و از قول مارتین بوتسر می‌نویسد که مؤمنان اگر بناست احکام خدا را نگاه دارند، چاره‌ای جز یاری روح القدس ندارند» (همانجا).

در پایان، گفتنی است در قرآن نیز به نقش تأییدی روح القدس به عیسی بن مریم اشاره شده است و می‌فرماید: ما به عیسی بن مریم دلیل‌های روشن

پنطیکاست یا گلریزان به معنای عید درو کردن محصول نزد یهودیان که پنجاه روز پس از عید فصح آن را جشن می‌گرفتند. این کلمه نزد مسیحیان به تجربه حواریون در آن عید یهودی دلالت می‌نماید که طی آن روح‌القدس در حواریون حلول کرد (توماس میشل، ۱۳۷۷: ۱۶۲ و ۱۶۵)

۵- ابن‌میثم، شرح نهج، ج ۱، ص ۱۷۱ در شرح این عبارت می‌نویسد: یکی از ملائکه مقرب الهی جبرئیل است و او امین وحی الهی است، چون امین کسی است که حفظ می‌کند چیزی را که مکلف به حفظ آن است، تا آن را به کسی که باید برساند، تحویل نماید (همان: ۲۰۷).

۶- مراد اینکه اعتبار کتاب مقدس از کلیسا گرفته نشده است، بلکه کلیسا آن را به رسمیت شناخت و این دیدگاه پروتستان-هاست (همان).

۷- تعمید آیینی است که در آن نفس از گناه اولیه پاک شده، فرزند خدا و وارث بهشت می‌گردد... شخص تعمید یافته... به واسطه شایستگی‌های عیسی مسیح تولد معنوی دوباره‌ای می‌یابد... (جورج برانتل، ۱۳۴).

۲- روح‌القدس موجودی مجرد و یکی از گرامی‌ترین ملائکه خداوند است.

۳- روح‌القدس تمثیل بشری پیدا کرد و بر مریم ظاهر شد و واسطه نفخه روح الهی در رحم مریم و ولادت عیسی شد.

۴- روح‌القدس مؤید انبیا و اولیای الهی و این تأیید مایه اطمینان روحی انبیا و اولیای الهی است.

۵- روح‌القدس واسطه در انزال کتب و وحی الهی و حکمت خداوندی به پیامبران و اولیای خاص اوست.

۶- در سنت مسیحی برخی کارکردها مانند نجات، تعمید و شخص سوم تثلیث را به روح‌القدس نسبت می‌دهند که در آموزه‌های اسلامی مؤیدی ندارد.

منابع

قرآن

کتاب مقدس

۱- ابن‌سینا. (۱۳۸۳). رساله در حقیقت و کیفیت

سلسله موجودات، دکتر موسی عمید همدانی،

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۲- _____ . (۱۳۸۸). مجموعه رسائل، سید

محمود طاهری، قم: انتشارات آیت اشراق.

۳- ابن فارس، احمد. (۱۳۸۷). ترتیب مقایس اللغه،

سید رضا علی عسگری و حیدر مسجدی، قم:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴- ابن میثم. (۱۴۲۰ هـ / ۱۹۹۹ م). شرح نهج-

البلاغه ج ۱، بیروت: دارالتقلین.

۵- آریانپور، کاشانی. (بی‌تا). فرهنگ فشرده

انگلیسی - فارسی، تهران: امیرکبیر.

پی‌نوشت‌ها

۱- نک. فارابی، السیاسة المدنیة (مبادی موجودات)، ص ۳۵، ۳۴، ۳۲؛ ابن‌سینا، رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات، ص ۳۰؛ ملاصدرا، اسفار، ج ۷، ص ۳۲ و نیز در الشواهد الربوبیه، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۲- آیت الله العظمی منتظری در ذیل کلام امیرمؤمنان در خطبه اول نهج البلاغه که می‌فرماید: «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا» پس خداوند فاصله بین (آسمانها) را از ملائکه پر کرد، می‌نویسد: امکان دارد بگوییم ملائکه طبقات مختلفی دارند که عبارتند از نیروهای غیبی... ممکن است بعضی از آنها مجرد کامل نباشند و مجرد برزخی باشند... و قسمتی از آنها... مجرد کامل باشند (درسهایی از نهج البلاغه، ج ۱: ۲۷۶).

۳- فارابی مبادی را که به واسطه آنها اجسام و اعراض قوام می‌یابند، شش مرتبه می‌داند: مرتبه اول، سبب اول و مرتبه دوم، سبب دوم و مرتبه سوم عقل فعال است. مرتبه اول یکتا و یگانه است، اما موجودات سایر مراتب کثرت دارند [کثرت ذاتی و عددی]. سه طبقه اول موجودات نه جسمند و نه در جسم و آنان سبب اول و دوم و عقل فعال است... (فارابی، السیاسة المدنیة: ۳۱).

۴- عید پنجاهه گرا (Pentecost) در مسیحیت عیدی است در گرامیداشت نازل شدن روح‌القدس بر رسولان و کلیسا (مری جو ویور، درآمدی به مسیحیت، ص ۴۹۱). در تفسیر دیگر

- ۱۷- صدرالمتألهین. (۱۴۱۰هـ.ق، ۱۹۹۰م). **الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه** (اسفار). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۰). **مبدأ و معاد**، سید جلال‌الدین آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۹- _____ (۱۳۸۶). **مفاتیح الغیب**، نجفعلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۹۹۷، ۱۴۱۷م). **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). **جوامع الجامع**، ابوالقاسم گرگی، دانشگاه تهران: سمت.
- ۲۲- _____ (۱۳۷۲). **مجمع البیان**، تهران: ناصر خسرو.
- ۲۳- طوسی محمد بن حسن. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۴- علی پور فاطمه. (۱۳۸۷). **تحلیل فلسفی و عرفانی روح القدس در متون دینی**، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- ۲۵- فارابی، ابونصر. (۱۳۶۶). **السیاسة المدنیة**، تهران: الزهراء.
- ۲۶- قمی مشهدی، محمد رضا. (۱۴۱۱هـ.ق، ۱۹۹۱م). **تفسیر کنز الدقایق**، حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). **اصول کافی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
- ۲۸- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). **بحار الانوار**، بیروت: الوفاء.
- ۶- آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). **تحقیقی در دین مسیح**، تهران: نشر نگارش.
- ۷- ویلسون، بریانی. (۱۳۸۱). **دین مسیح**، حسن افشار، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۸- اف ئی، پیترز. (۱۳۸۴). **یهودیت، مسیحیت و اسلام**، حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۹- میشل، توماس. (۱۳۷۷). **کلام مسیحی**، حسین توفیقی، قم: مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۱۰- لین، تونی. (۱۳۸۰). **تاریخ تفکر مسیحی**، روبرت آسریان، تهران: جهان کتاب.
- ۱۱- جوهری، اسماعیل بن حماده. (۱۳۶۸). **الصحاح**، احمد بن عبدالغفور، تهران: امیری.
- ۱۲- برانتل، جورج. (۱۳۸۱). **آیین کاتولیک**، حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۱۳- راغب اصفهانی. (۱۹۹۲، ۱۴۱۲م). **مفردات الفاظ القرآن**، صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالقلم، بیروت: دارالسلامیه.
- ۱۴- سلیمانی اردستانی. (۱۳۸۴). **مسیحیت**، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
- ۱۵- سهروردی، (شیخ اشراق). (۱۳۸۰). **مجموعه مصنفات**، ج ۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۶- شجاعی، محمد. (۱۳۸۳). **ملانکة**، محمد رضا کاشفی، قم: وثوق.

۲۹- مدرسی، سید محمد تقی. (۱۴۱۹ ق). من هدی

القرآن، ج ۱۶، تهران: محبی الحسین.

۳۰- مری جو، ویور. (۱۳۸۱). درآمدی به

مسیحیت، حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۳۱- مک کراث، الستر. (۱۳۸۵). درآمدی بر الهیات،

عیسی دیباچ، تهران: کتاب روشن.

۳۲- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۰). درسهایی از نهج

البلاغه، تهران: سرابی.

۳۳- میرداماد، محمدباقر. (۱۳۶۷). قبسات، مهدی

محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

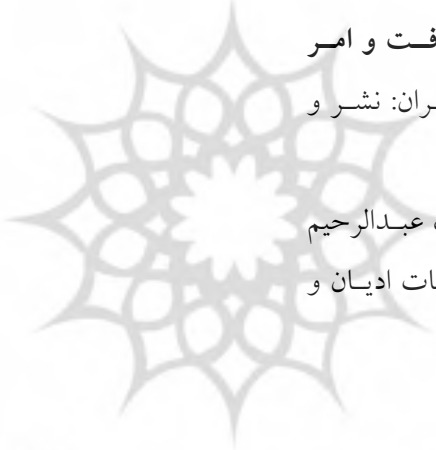
۳۴- نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). معرفت و امر

قدسی، فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر و

پژوهش فرزاد روز.

۳۵- هاروی، کاکس. (۱۳۷۸). مسیحیت، عبدالرحیم

سلیمانی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی